

Journal of research in Persian
language and literature education



Analysis of the novel of the *Younes's romantic in the Belly of the Fish*, written by
"Jamshid Khanian" based on P4C criteria

N. Farhadi

Professor Assistant of Department of Persian Language and Literature Education, Farhangian
University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Keywords:

Modeling,
Jamshid Khanian,
Challenge,
Constructivism,
P4C,
Matthew Lipman.

1 .Corresponding author
✉ na.farhadi@cfu.ac.ir

Background and Objectives: The Philosophy for Children and Adolescents (P4C) program is a relatively new approach in the education system that emphasizes teaching thinking skills. Matthew Lipman, the founder of P4C, considers philosophical stories to be the main tool for teaching thinking skills. Therefore, the production and analysis of children's and adolescent stories based on philosophical richness and appropriate to the local culture of the community is of particular importance. **Methods:** Jamshid Khanian is a prominent children's and adolescent storyteller whose works are worthy of recognition in various ways. In this essay, "Younes's Romance in the Fish's Belly," is analyzed using a descriptive-analytical method based on the components of the P4C and in three main parts (literary, worldview, and psychological). **Findings:** The best philosophical feature of this novel is in its literary dimension, which is reflected in storytelling techniques such as characterizations appropriate to the target age groups and language suitable for teenagers; psychological reflections and attention to the spiritual needs of the audience are of relative quality; sentences indicating philosophical foundations and ontological concepts are less common compared to literary and psychological signs. **Conclusion:** Overall, this novel has the necessary characteristics for use in philosophy classes and philosophy-based exploration circles. Khanian's distance from the origin and habitat of the p4c, and the creation of this novel with motives beyond its plot in such circles, have led to the emergence of minor shortcomings in its psychological and philosophical aspects, which, with its pathological role, can lead the novelists to create stories with richer philosophical elements.

Received: 1404/07/23

Reviewed: 1405/02/04

Accepted: 1405/02/25

PP: 14

Citation (APA): Farhadi, N. (2026). Analysis of the novel of the Younes's romantic in the Belly of the Fish, written by "Jamshid Khanian" based on P4C criteria. *Research in Teaching Persian Language and Literature*, 7 (2), 77 - 90 .

doi <https://doi.org/10.48310/rpllp.2026.21212.1284>



تحلیل رمان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی نوشته «جمشید خانیان» بر پایه معیارهای فیک (P4C)

مقاله پژوهشی

نواز الله فرهادی

استادیار آموزش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، کد پستی ۱۴۶۶۵-۸۸۹، تهران، ایران.

چکیده

پیشینه و اهداف: برنامه فلسفه برای کودکان و نوجوانان (فبک)، تحول و رویکردی نو در نظام تعلیم و تربیت است، که بر آموزش مهارت تفکر تأکید دارد. متیو لیپمن، بنیانگذار فبک، ابزار اصلی آموزش مهارت‌های فکری را داستان‌های فلسفی می‌داند. از این رو، در فبک تولید، ترجمه و تحلیل داستان‌های کودک و نوجوان بر پایه غنای فلسفی و متناسب با فرهنگ بومی جامعه، اهمیتی ویژه پیدا می‌کند. **روش‌ها:** جمشید خانیان از نویسندگان مطرح و پرکار در حوزه داستان‌نویسی کودک و نوجوان است، که آثارش از جهات مختلف شایسته بررسی و شناسایی است. در این جستار مختصر، یکی از رمان‌های او با نام *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی* به روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مؤلفه‌های فبک و در سه بخش عمده (ادبی، جهان‌نگری و روان‌شناختی) نقد و تحلیل می‌شود. **یافته‌ها:** برترین ویژگی فلسفی این رمان در بُعد ادبی آن است، که در شگردهای داستان‌نویسی همچون شخصیت‌پردازی‌های موفق و متناسب با گروه‌های سنی هدف و زبان مناسب برای نوجوانان، ضمن گرایش به گسترش دایره واژگانی در ذهن آنان تبلور می‌یابد. مجموع الفاظ، عبارات، و جملات دلالت‌کننده بر بنیان‌های فلسفی و مفاهیم هستی‌شناسانه و اشارات غیر مستقیم به این مباحث، در مقایسه با نشانه‌های ادبی، آمار کمتری دارد. سرانجام، محتوای رمان به لحاظ تأمل‌های روان‌شناسانه و توجه به نیازهای روحی و عاطفی مخاطبان از کیفیتی نسبی و کمیتی کمتر از نشانه‌های ادبی و فلسفی برخوردار است. **نتیجه‌گیری:** در مجموع می‌توان گفت، این رمان از مختصات لازم برای استفاده در کلاس فبک و حلقه‌های کندوکاو فلسفه‌محور، به‌ویژه غنای ادبی-هنری، برخوردار است. دور بودن خانیان از خاستگاه و زیستگاه فبک و آفرینش رمان با انگیزه‌هایی فراتر از طرح آن در این‌گونه محافل، به نمایان شدن کاستی‌های جزئی در سویه‌های روان‌شناختی و فلسفی رمان مورد بحث انجامیده است، که می‌تواند با تأثیر آسیب‌شناسانه خود داستان‌نویسان کودک و نوجوان را به آفرینش داستان‌هایی با عناصر فلسفی غنی‌تر رهنمون شود.

<https://doi.org/10.48310/rpllp.2026.21212.1284>

واژه‌های کلیدی:

الگوسازی،
خانیان،
چالش،
ساختن‌گرایی،
فبک،
متیو لیپمن.

۱. نویسنده مسئول
na.farhadi@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۵

شماره صفحات: ۱۴

COPYRIGHTS



©2026 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

مقدمه

فلسفه‌فراوانی است، که تمام ابعاد وجود بشر، از تجارب اجتماعی گرفته تا درون‌بینی فردی، از طبیعت تا مابعدالطبیعه، از اخلاق تا سیاست... را دربرمی‌گیرد. ازاین‌رو، نمی‌شود آن را در تعریفی دقیق گنجامد. این قلمرو همه‌شمول با حضور جدایی‌ناپذیرش در لحظه‌لحظه زندگی انسان، لزوم پرداختن به آن در برهه‌های مختلف زیستن، از جمله دوران کودکی را ضروری می‌سازد. «متیو لیپمن»^۱ (۱۹۲۳-۲۰۱۰ م.) نیم قرن پیش «فبک» را بر اساس چنین ضرورتی بنیان نهاد. گرد متیوز^۲ هدف از آموزش فلسفه را پرورش روحیه حقیقت‌جویی متأملانه، مسئولیت‌پذیری، اخلاق‌گرایی، کاوشگری، انتقادگری و انتقادپذیری در فراگیران می‌داند (۱۹۹۴) و لیپمن آن را آموزش روش زندگی تعبیر می‌کند (۱۹۹۲).

فبک آموزش پایدار و مبتنی بر عقلانیت را با رسانه داستان در کانون توجه دارد، که به پرورش سه نوع اندیشه عمده در کودکان منجر می‌شود: «تفکر انتقادی، تفکر خلاق و تفکر مراقبتی» (Lipman, 2003). مبانی فکری پدیدآورندگان فبک، محتوا و ماهیت، اهداف و فرآیند اجرای آن، همگی نشان می‌دهند، که این رویکرد اندیشه‌ورزی، خود از نتایج عینی پارادایم عام و همه‌شمول نسبیت‌گرایی در سده اخیر و پارادایم خاص تأمل‌گرایی در تعلیم و تربیت نوین و مصداق بارز یادگیری مبتنی بر ساختن‌گرایی^۳ است. در برنامه فبک کلاس درس به صورت حلقه‌ها و محافل کندوکاوی درمی‌آید و خوانش تأملی داستانی فلسفی را در دستور کار قرار می‌دهد. بنیادی‌ترین هدف این محافل پرورش مهارت «تفکر برای خود» است، که اندیشه مستقل و نقد عقلانی و مستدل را جایگزین سنت انتقال اندیشیده‌ها، القای ایده‌ها و انباشت محفوظات در ذهن فراگیران می‌سازد. بی‌گمان یکی از ملزومات دستیابی به چنین هدف ظریف و مهم، انتخاب داستان فلسفی مناسب، به عنوان رسانه اصلی و محور تعاملات و تأملات کندوکاوی فبک است. ویژگی‌های معنایی و شگردین بسیاری یک روایت را شایسته استفاده در کلاس‌های فبک می‌سازد؛ از جمله، بی‌رنگ داستانی آن مورد علاقه مخاطبان باشد، مفاهیم بحث‌انگیز اندیشه‌سازی را دربرگیرد تا مخاطبان را برای حل مسأله به دنبال خود بکشد، زندگی شخصیت‌های روایت‌الگویی قابل فهم از فلسفه زندگی در جهان واقع باشد، به طور کلی مجموعه اجزا و عناصر روایت هم عواطف مخاطبان و هم اذهان و افکار جامعه هدف را با پرسش‌های زندگی روزمره درگیر کند.

سرشاربودن ادبیات تعلیمی و عرفانی ایران از تمثیل‌ها و حکایات پندآموز نشان می‌دهد، داستان‌ها از دیرباز ابزار مهم تربیت و آموزش بوده‌است. اما با توجه به نکات یادشده، داستان‌های معاصر فارسی، از آنجا که با خواست و نیاز خوانندگان امروز هماهنگی بیشتری دارند و برخلاف داستان‌های پیشین، با بیان نکردن صریح پیام، فرایند اندیشیدن را استمرار می‌بخشند، در کانون‌های آموزشی همچون فبک، می‌توانند کارایی قابل توجهی داشته‌باشند. بر اساس این پیش‌فرض، داستان‌های «جمشید خانیان» (متولد ۱۳۴۰) هم از نظر عناصر متن‌ساز و هم به لحاظ معنا و درون‌مایه، این قابلیت را دارند، که در کلاس‌های فلسفه و حلقه‌های کندوکاو مورد استفاده قرار گیرند. در جستار پیش رو داستان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی با این پیش‌انگاشته و بر پایه چنین قابلیت‌های مورد مذاقه قرار می‌گیرد. چهارچوب تئوریک این پژوهش توصیفی - تحلیلی را مؤلفه‌های مستخرج از آرای پیشگامان و صاحب‌نظران فبک، نظیر لیپمن و شارپ^۴ (۱۳۹۴)، فیلیپ کم^۵ (۱۴۰۳)، فیشر (۱۳۸۸) و منتقدین ایرانی مانند ناجی (۱۳۹۳)، مجیدحبیبی (۱۳۹۴) تشکیل می‌دهد. به این منظور، رمان مورد نظر به طور دقیق مطالعه و مصداق‌های مربوط به مؤلفه‌های فبک از کل متن رمان به طور سرشمارانه، فیش‌برداری گردید. سپس این داده‌ها در سه قسم کلی: ادبی - فلسفی، مفاهیم فلسفی و روان‌شناختی - فلسفی و زیربخش‌های مختلف جهت سهولت مطالعه و دقت در تحلیل نمونه‌ها، دسته‌بندی، سامان‌دهی و بررسی گردید.

1. Lipman
2. Gareth Matthews
3. Constructivism
4. Margaret Sharp
5. Philip Cam

در بخش مفاهیم فلسفی، چیستی معنا و محتوای روایت و مباحث هستی‌شناختی مطرح در آن معرفی و تحلیل می‌شود. در بخش فلسفی - ادبی، چگونگی طرح و بیان مباحث، از جمله، توفیق نویسنده در سازگار نمودن زبان روایت با توان ادراکی مخاطبان و کار بست شگردهای داستان‌نویسی برای همسو کردن روایت با اهداف فیک و... مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سرانجام در بخش پایانی، آن قسم از ویژگی‌های روحی و روانی شخصیت‌های روایت که پیوند مستقیم و غیر مستقیمی با شاخصه‌های داستان فلسفی و مؤلفه‌های فیک دارد، با استناد به رفتار و گفتار و دیالوگ‌های میان آنان تشریح می‌گردد.

یافته‌ها

عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی مربوط به نخستین روزهای حمله عراق به ایران است و حوادث و شرایط آن روزهای خرمشهر را دربرمی‌گیرد. شخصیت اصلی داستان، دختری نوجوان به نام «سارا» است، که با پدر، مادر و برادر کوچکش، «سام» در خرمشهر زندگی می‌کند. پدر سازنده آلات موسیقی است و اعضای خانواده با هنر موسیقیی مأنوسند و گاه اوقاتشان را با گوش سپردن دسته‌جمعی به سونات‌های بتهوون می‌گذرانند. پدر با پی‌بردن به استعداد سارا در نواختن پیانو، پیانویی به نام «کوکو» برایش فراهم می‌کند. پدر برای گذراندن دوره تخصصی کوتاهی رهسپار آلمان می‌شود. سفر پدر با یورش سربازان عراقی به خاک ایران هم‌زمان می‌گردد. با شدت گرفتن آتش جنگ، مادر و بچه‌ها ناچار می‌شوند شبانه شهر را به همراه دوستان خانوادگی‌شان ترک کنند. علی‌رغم میل سارا، کوکو در میانه راه رها می‌شود، تا جا برای سوار شدن دو نفر دیگر (بی‌بی و یونس) باز شود. با اسکان همگی در اقامتگاهی مخصوص جنگ‌زدگان و استمرار گفت‌وگوها و بازی‌های بچه‌گانه، به تدریج اعتماد، صمیمیت و حس تعلق‌خاطری را میان سارا و یونس پدید می‌آورد. یونس عمر کوتاهی دارد، اما با تأثیری که بر ذهن سارا گذاشته‌است، به سوژه‌ای مهم و همیشگی در آثار هنری سارا تبدیل می‌شود.

ابعاد ادبی - فلسفی رمان

ادبیت رمان عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی از زوایای گوناگون شایسته بررسی است و مجالی معادل یک پژوهش مستقل می‌طلبد. از این رو و ناگزیر بر آن بخش از شاخصه‌ها و عناصر اثر مورد بحث تمرکز و بسنده می‌شود، که بیش از هر عامل دیگر کارکرد آن را در پیوند با فیک نمایان می‌سازد.

زبان: وجود واژه‌های جدید در محتوای آثار متن‌محور برآیندهای مختلف و گاه متضادی دارد: از یک‌سو، می‌تواند به گسترش دامنه واژگانی در ذهن دانش‌آموزان کمک کرده و درک آن‌ها را نسبت به شبکه مفاهیم به‌کاررفته در داستان عمیق‌تر کند، از سوی دیگر حضور بیش از حد کلمات ناآشنا در محتوا، علاوه بر ایجاد بی‌زاری و خستگی در فراگیران، تمرکز آنان را از مباحث اصلی منصرف و معطوف به تلفظ صحیح و دریافت معنای لغت می‌کند.

رمان مورد بحث از زبان سارا، شخصیت اصلی داستان و زاویه دید درونی اول‌شخص، روایت می‌شود. از همین رو، زبان و لحن داستان صمیمانه و ملموس به‌نظر برسد و این شگرد می‌تواند، خواندن آن را برای دانش‌آموزان ساده و خوشایند سازد. توصیفاتی که از خلال تجارب سارا بازگو می‌شود، به تجارب و جهان زیسته نوجوانان نزدیک است و نقش بسزایی در برانگیختن حس همذات‌پنداری آن‌ها با سارا ایفا می‌کند. عبارات و اصطلاحاتی در داستان مطرح می‌شود، که در محاورات روزمره نوجوانان نیز به کار می‌رود. مانند «مغزش خارج می‌زنه». (خانیان، ۱۳۹۸)، «کشفیات جورواجور» (همان) «مخش عیب داشته» (همان) حضور چنین عبارات و اصطلاحاتی می‌تواند به ایجاد احساس همدلی و همسانی نوجوانان با شخصیت رمان منجر شود.

برخی اصطلاحات جدید مطرح در دیالوگ‌ها از جنبه آموزشی برای نوجوانان، اهمیت پیدا می‌کنند. مانند «موومان» (همان)، «بتهوون» و «سونات» (همان) که با طرح نام برخی سونات‌های بتهوون همچون «سونات پاتتیک» و «کلاویه» کامل‌تر می‌شود (همان). کاربرد این اصطلاحات تخصصی با توضیحاتی که از آن‌ها در انتهای کتاب ذکر شده است، زمینه مناسبی برای آشنایی نوجوانان با قلمرو موسیقی فراهم می‌کند (قرارگرفتن این توضیحات در انتهای کتاب، به

جای پاورقی، نیز از منظر آموزش در کلاس‌های فیک، شایسته تأمل است). در گیرنمودن ذهن فراگیران با معانی این اصطلاحات می‌تواند روزه‌ای از پدیده غریب - آشنای موسیقی را به روی خوانندگان بگشاید و آنان را با پرسش‌هایی در زمینه چستی موسیقی، مناسبت آن با ذات و هستی‌شناسی نوع بشر و همچنین ماهیت مکانیزم اثرگذاری آن بر روحیه و عواطف انسان مواجه سازد. پرداختن نویسنده به توضیحات جزئی‌تر درباره موسیقی نیز این گمانه‌زنی را تقویت می‌کند. همچنین بخش‌هایی از رمان به توضیح دقیق‌تر در این زمینه اختصاص دارد (همان) که در آشناسازی نسبی تسهیل‌گر با این حیطه هنری و آمادگی او برای پاسخگویی به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان و در نتیجه تأثیر آموزشی رمان در کلاس فیک مفید و مؤثر است.

گروه دیگری از لغات به کاررفته در این رمان کارکرد اقلیمی دارد و زمینه جغرافیایی و مکان روایت را معرفی می‌کند، که می‌تواند زمینه مناسبی را برای گسترش و تعمیق دانش اقلیم‌شناسی مخاطبان فراهم کند. مانند «بادخورک» و «سهره» (همان) البته لغات ادبی و در عین حال ناآشنا و کم‌کاربرد برای نوجوانان نیز در داستان به کار رفته، که بهتر است برای استفاده در کلاس‌های فیک با معادل‌های متداول‌تر جایگزین شود. مانند «غمباد» (همان) «آبستن» (همان)، «تصنیف کردن» (همان)، «خطای باصره» (همان) «غیظ» (همان) «مراسم تودیع» (همان). همچنین تلفظ برخی اسامی شخصیت‌ها در رمان برای نوجوانان به نظر دشوار می‌آید، مانند «استاد ادگاریان» (همان: ۱۵)، «ژرژ گاسپاریان» (همان)...

واژه‌سازی با «زبان وارونگی» که یونس (شخصیت دیگر داستان) مبدع آن است، اگرچه در نگاه نخست، برای درک کودکان و نوجوانان ثقیل می‌نماید، ارزش یادگیری قابل تأملی دارد و در سنجش و تقویت هوش فراگیران زبان نیز اثرگذار است. همچنین با کمک تسهیل‌گر می‌تواند بر هیجان داستان بیفزاید و زمینه‌ای شود تا نوجوانان درباره زبان‌های مختلف و رمزنگاری شده تحقیق و با یکدیگر گفت‌وگو نمایند و حتی خود در پروژه فردی و یا جمعی، ساختار زبانی جدیدی را اختراع کنند. بی‌گمان مجموع این عناصر در برانگیختن ذهن مخاطبان به تأملات فلسفی مؤثرند و می‌توانند اذهان خوانندگان نخبه را به تأملات ژرف‌تری از جمله، نقش زبان در شکل‌گیری جهان‌بینی کاربران معطوف سازند.

روایت غیر زمان‌مند رویدادها یکی از فنون روایت‌پردازی نوین (مدرن و پست‌مدرن) در این رمان است. این ویژگی که به «سیالیت زمان» نیز معروف شده‌است، در انتقال ذهن خواننده به برهه‌های زمانی مختلف و در نتیجه، افزایش هیجان داستان نقش بسزایی دارد و آن را از یک روایت خطی یکنواخت به اثری تأمل‌برانگیز ارتقا می‌دهد. تلفیق این معماگونی با وجه غالب سادگی روایت از یک سو، باعث می‌شود، داستان از سطح ادراکی مخاطبان نوجوان بالاتر نرود، از سوی دیگر، تقویت مهارت تأمل‌گرایی آنان را با چاشنی سرگرمی و کشش همراه سازد.

شخصیت‌پردازی: در این رمان شخصیت‌ها به طور غیر مستقیم اما به دور از ابهام و پیچیدگی در خلال رویدادها و گفت‌وگوهای رمان شناسانده می‌شوند. همان‌طور که بازیگران صحنه تأثیر رفتار و گفتار خودشان به تماشاگر معرفی می‌شوند، در اغلب رمان‌ها نیز خواننده از طریق رفتار و گفتار شخصیت‌ها به خوی و خصال آنان پی‌می‌برد. سارا، شخصیت مهم و اثرگذار رمان، دختری با رویاهایی بزرگ است، که جنگ تمام‌رؤیاهای و حتی کوکوی محبوبش را از او گرفته و مانند اغلب نوجوانان او را نسبت به توانایی‌های خود مردود کرده‌است (همان). اما او همچنان برای رسیدن به خواسته‌هایش تلاش می‌کند و با رویکردی مستدل در گفت‌وگوها سعی در اقناع دیگران دارد: «گفتم: ما داریم می‌ریم مامان، چون موندن خطرناکه. اگه موندن برای ما خطرناکه، پس برای کوکو هم خطرناکه» (همان).

گفتمان تعامل مستدل و منطقی موجود در این‌گونه شواهد، بر اکثر قریب به اتفاق دیالوگ‌های متراکم در پیرفت‌های مختلف روایت، به‌ویژه درباره موضوعاتی که برای نوجوانان (جامعه هدف) پراهمیت است، غلبه‌ای چشمگیر و تعیین‌کننده دارد. این ویژگی تیری است که چندین هدف آموزشی - تربیتی - فلسفی را همزمان نشانه می‌رود. از جمله، در کنار ترغیب نوجوانان به تعاون و تعامل خردورزانه، وظیفه اولیا و مربیان (و به اصطلاح تسهیل‌گران در رویکردهای آموزشی نوین، مانند معلمان حلقه‌های فیک) را نیز به آنان یادآوری می‌کند. این وظایف در پوشش نمادین روابط خانوادگی و مواضع‌گیری اصولی پدر و مادر سارا که زمینه دیالوگ و در نتیجه به فعلیت رسیدن استعدادها، تفکر، تعقل و خلاقیت را برای فرزندان فراهم می‌کند، به تسهیل‌گران گوشزد می‌گردد.

خانواده فرهنگ‌دوست و اهل هنر سارا نیز نمادی از بستر مناسب برای رشد و شکوفایی استعدادهای اوست: «بابا جوان‌تر که بود دیوانه‌وار شیفته سونات‌های پیانوی بتهوون بود: سونات مهتاب، سونات پاتتیک، سونات هامر کلاویر و... شاید به خاطر همین موضوع بود که خانواده چهارنفره ما برای شنیدن این موسیقی، مراسم خاصی را در نظر می‌گرفت...» (همان) توجه ویژه والدین به احساسات فرزندان در بخش‌های دیگر نیز از این منظر درخور تأمل است (همان).

واکنش شخصیت‌ها به فضای پرآشوب و ملتهب ناشی از وقوع جنگ و نمایان شدن ابعادی از آسیب‌پذیری آنان، حتی بزرگسالان، نکته‌ای است، که در نگرش انسان‌شناسانه و رویکرد فلسفی به شخصیت‌پردازی روایت شایسته تأمل است (همان).

در مجموع، شخصیت‌پردازی در این رمان اغلب به روشی همخوان پیش می‌رود و در نتیجه درک حالات و احساسات هر یک، در خلال خوانش رمان بر مبنای توصیفات و دیالوگ‌های قبلی آن‌ها به سادگی امکان‌پذیر می‌گردد. البته گاه این روند گیج‌کننده می‌شود و دیالوگ‌هایی که از زبان برخی شخصیت‌ها مطرح می‌شود تناسب سنی و محتوایی خود را با شخصیت تا حدی از دست می‌دهد. برای نمونه، یکی از این شخصیت‌ها، سام، برادر کوچک سارا است. به نظر می‌رسد برخی دیالوگ‌ها از زبان سام با سطح درک معمول کودکان همخوانی ندارد. این امر باعث گسستی نسبی در شخصیت‌پردازی او می‌شود. او از یک سو پرسش‌های بسیار کودکانه و تکراری مطرح می‌کند، که گاه فراتر از حوصله مخاطب نوجوان است. برای مثال، «سام گفت: تهران جنگ نیست؟ گفتم: چرا، هست. سام گفت: آگه هست، پس چرا ما داریم می‌رییم؟ گفتم: اون جوری نیست که توی خرمشهر بود. سام گفت: یعنی تانک‌های عراقی اون‌جا نیستن؟...» (همان) و از سوی دیگر تفکراتی عمیق و بزرگسالانه دارد. مانند «سام آهسته گفت: انگار یه آدم نیست چند تا آدمه، یه آدمش چند سالی از من و تو بزرگ‌تره. یه آدم دیگه‌اش شاعره. یه آدم دیگه‌اش همه‌چیز بلده. یه آدم دیگه هم داره که هم شعبده‌بازه و هم جادوگره...» (همان) یا «سام گفت: ولی چیزایی رو که درباره‌اش گفتی، مال وقتی نیست که آدم از یکی بدش بیاد.» (همان) که، نسبت دادن چنین تحلیل عمیقی از یک انسان دیگر، به کودکی در سن سام، آن هم در اولین مواجهه، چندان با واقع‌نمایی و حقیقت‌مانندی لازم در روایات فبک سازگار به نظر نمی‌رسد. چنین ابهامی در شخصیت‌پردازی یونس نیز تا حدی رخ می‌دهد. او پسری نوجوان است که روحیه فداکاری، شجاعت و از خودگذشتگی‌اش در نخستین توصیفات نمایان می‌شود. «یونس در را بست و بلافاصله استارت زد... سام گفت: این پسر آگه جادوگر نباشه، حتماً یه قهرمان واقعیه» (همان).

یونس نوجوان درکی بسیار عمیق از جهان دارد و همان طور که سام توصیف کرد /نگار چند آدم/ است در یک نفر. ژرف‌نگری و پرسشگری او از سخنانش دریافت می‌شود: «لبخندی زد و گفت: «...آینه داره به تو می‌گه تو می‌تونی از توی هر چیز تکراری یه چیز تازه و عجیب بیرون بکشی؛ به شرط این‌که عادت‌های همیشگی رو بذاری کنار... ما واقعاً وقتی توی آینه به خودمون نگاه می‌کنیم، داریم به کی نگاه می‌کنیم؟» (همان). این سخنان در واقع معادل روایی مؤلفه فبک، مبنی بر تحریر^۱ و عادت‌زدایی به عنوان نخستین گام فلسفه‌ورزی و مصداق روشنی برای اصل زیربنایی «تفکر برای خود» است، که در برنامه فبک اساسی‌ترین هدف به‌شمار می‌رود.

از سوی دیگر، دیالوگ‌هایی مانند «یونس گفت: ... ولی من یه چیزی رو می‌دونم که تو نمی‌دونی. من می‌دونم صدای تیر ترس نداره... چون سرعت گلوله تقریباً سه برابر سرعت صوت در هواست... پس وقتی صدای تیراندازی شنیدی خیالت راحت باشه، چون اون گلوله از کنارت رد شده...» (همان) نشان می‌دهد، او شخصیتی تأمل‌گراست و در بعضی زمینه‌ها اطلاعات قابل توجهی دارد. به طور کلی، یونس از مصداق شخصیت‌های «پذیرفتنی و طبیعی [که باید] ترکیبی از خوبی و بدی و مجموعه‌ای از فردیت و اجتماع در داستان» (میرصادقی، ۱۳۹۴) باشند، گاه فاصله می‌گیرد. برای مثال، در چنین شرایطی به طور طبیعی انتظار می‌رود، آثار آسیب‌پذیری نوجوانی به سن و سال یونس در

نشانه‌هایی چون ترس، غم، یأس، تنهایی و... نمودی آشکار داشته باشد. اما او همچون اسطوره‌ای خلل‌ناپذیر توصیف و نمایان می‌گردد. به این ترتیب، با شیوه شخصیت‌پردازی مناسب فبک، یعنی ساخت و پرداخت شخصیت‌های واقعی که مستلزم ترکیبی طبیعی از مجموعه نقاط ضعف و قوت درونی و تلفیقی از خواست و نیازهای متفاوت است، ناهمخوان می‌شود. این ویژگی در مواجهه با خوانندگان ممکن است مانند تیغی دولبه عمل کند: از سویی، خوانندگان نوجوان را به تخیلات بلندپروازانه و کوشش برای رسیدن به قله‌های ترقی و حتی فراانسانی برانگیزد و از دیگر سو، در عام واقع به تضعیف ارتباط و همدلی دانش‌آموزان با این شخصیت داستانی بینجامد.

حقیقت‌مانندی: رخ‌دادهای این رمان اغلب باورپذیرند و مجموعه حوادث، رفتارها و تصمیمات شخصیت‌ها به گونه‌ای کنار هم چیده شده‌اند، که جلوه‌ای واقع‌نما و طبیعی داشته‌باشند. در این رمان مردمانی در پی ساخت زندگی طبیعی و متعادل خود هستند؛ هر روز سعی می‌کنند به رؤیاها و آرزوهایشان قدمی نزدیک‌تر شوند؛ در پیمودن این مسیر یکدیگر را حمایت می‌کنند؛... تا این‌که بحرانی همچون جنگ، ناگهان نظم نسبی این جهان را بر هم می‌زند. تمام انسان‌ها در دنیای رمان متأثر از این واقعه تجارب جدیدی به‌دست می‌آورند. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت، که متفکران فبک به همان اندازه که اندیشه‌های واقع‌بینانه را مهم می‌شمارند، بر پرواز خیال و تخیل‌ورزی کودکان و نوجوانان هم تأکید و توجه دارند. گفت‌وگوهای میان سارا و سام از این منظر حائز اهمیت است. لیپمن واقعیت خیال‌پردازی در کودکان و نوجوانان را امکان و اهرمی مهم و مفید برای پرداختن به یک موضوع از زوایای گوناگون می‌داند (یاری دهنوی، ۱۳۹۴). واقع‌نمایی رویدادها مبتنی بر تناسب معنایی‌شان با خواست و نیاز کودکان و نوجوانان، مؤلفه‌ای تعیین‌کننده در ارزیابی و امتیازبندی روایت بر پایه فبک است، که در بخش ۳-۲ بررسی خواهد شد.

فبک و بعد معنایی رمان

فلسفه برای کودکان و نوجوانان، به‌دنبال طرح موضوعات فکری و فلسفی متناسب با امور روزمره و تجارب زیسته مخاطبان است. طرح این موضوعات فکری باید به گونه‌ای باشد، که بتواند بدون بار القایی و با برانگیختن قوای عاقله و تأملی دانش‌آموزان و پویاسازی استعداد پرسشگری آنان، ذهنشان را با لایه‌های ژرف و مباحث عمیق زندگی درگیر کند. به این ترتیب، چه بسا فراگیران حتی پس از اتمام محتوا و کلاس همچنان با تجزیه و تحلیل مباحث و پرسش و پاسخ‌های فلسفی مطرح‌شده درگیری ذهنی مستمری داشته باشند. با تکیه بر این امر و با توجه به درون‌مایه رمان *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی* ارزیابی بعد معنایی آن در سه بخش *مفاهیم هستی‌شناختی*، *موضوعات کندوکاوانگیز* و *چالش‌ساز و سرانجام اشاره‌های الگوسازانه* انجام می‌شود.

مفاهیم هستی‌شناسانه: از نظر ساختار روایی وقوع جنگ نخستین رویدادی است که ضلع فزاینده گره‌افکنی‌ها را سامان می‌بخشد و در زنجیره علی-معلولی و پی‌رنگ‌ساز رویدادها جایگاه مبنایی پیدا می‌کند؛ بنابراین پدیده جنگ با حضور ملموس، مکرر، خرنده و ویرانگش در زندگی شخصیت‌های داستان و تحمیل فرهنگ و اصطلاحات خاص خود به زبان و مراودات عمومی، باعث می‌شود، سایر عناصر داستان در پیوند با این پدیده معنا و موجودیت یابد.

پرسش‌های کنجکاوانه سام، فرزند کوچک خانواده، درباره ابعاد و چگونگی جنگ، مشتی نمونه خرواری از سخن‌ها و سؤالاتی است، که در اکثر قریب به اتفاق دیالوگ‌ها، مستقیم و غیر مستقیم به ابعاد عینی و انتزاعی مفهوم جنگ مرتبط می‌شود و جنبه‌های نیک و بد آن را به چالش می‌کشد. ساری و جاری بودن پدیده جنگ در سراسر دنیای روایت سمبل روایی حضور و گستردگی آن در سرتاسر تاریخ و تمدن بشر است و می‌تواند به همین اندازه در جهان واقع و محافل کندوکاو فبک بحث‌انگیز و زمینه‌ساز تحرکات ذهنی و پویایی انواع تفکر و فلسفه‌ورزی در فراگیران باشد.

وقوع جنگ دوگانه زندگی و مرگ را نیز در اولویت مباحث روایت قرار داده است. بزرگسالان هنگام ناکامی از درک مفهوم مرگ ناگزیر کوشیده‌اند، حسب تجارب و آموخته‌هایشان، خود را با توجیهاتی در این باره سرگرم کنند، که غالباً برای کودکان و نوجوانان غیر قابل فهم و فاقد جذابیت است. از این رو، آنان پیوسته و کنجکاوانه و شاید تا سرحد همان ناکامی‌کذایی در بزرگسالی، درصدد فهم معنای مرگ و کشف عوالم پس از آن برمی‌آیند. بروز جنگ به دلیل پیوندی

که با مرگ و نابودی دارد، فرصتی فراهم می‌آورد تا شخصیت‌های کودک و نوجوان در رمان مورد بحث، کنجکاو خود در این زمینه را اعمال و آشکار کنند. نگاه فانتزی و انسان‌انگاره سارا به پیانو (کوکو) نمونه‌ای از نگرش همسالان او به مفهوم مرگ و زندگی است: «گفتم: ما داریم می‌ریم مامان، چون موندن خطرناکه. اگه موندن برای ما خطرناکه، پس برای کوکو هم خطرناکه...» (خانیان، ۱۳۹۸). نسبت‌دادن مرگ به پیانو معنای تازه از مفهوم زندگی و مرگ را در مقایسه با هنجار سنتی این مفاهیم افاده می‌کند. این معنای نو برآمده از نگرشی پدیدارشناسانه به این مفاهیم و برون‌داد ذهنی خاص گوینده از آن است. از همین رو، با تغییر شرایط زندگی و به تبع آن دگرگونی ذهنی شخصیت داستان، این معنای خاص و برساخته ذهنی هم دگرگون می‌شود و در نتیجه، در صحنه دیگری از روایت معنای مرگ برای پیانو با معنای مرگ انسان‌ها (یونس و مادرش) با گذر از صافی ذهن تحول‌یافته سوژه ارزیابی و اولویت‌بندی متفاوتی پیدا می‌کند. پشت سر گذاشتن نگرش خام اولیه و رسیدن به بلوغ این‌گونه اولویت‌بندی‌ها، محصول فرآیندهای فکری و تلاش‌های متعدد ذهنی شخصیت‌های داستان است، که با موضع‌گیری ایثارگرانه آن‌ها در برابر خواست و نیاز دیگران و ترجیح مصالح گروهی به منافع فردی نمود می‌یابد و حاوی بن‌مایه‌های فکری و فلسفی قابل توجهی است.

احساسات و عواطف انسانی از دیگر مفاهیم مطرح در این روایت است که علاوه بر ارزش محتوایی و ظرفیت فکرانگیزی و اندیشه‌سازی، به لحاظ چگونگی طرح و بحث آن در روایت مورد مطالعه نیز اهمیت بسزایی دارد. خانیان در طرح این مفهوم پیچیده فلسفی-روانشناختی از همان الگوی پیشین که در طرح و بیان مرگ و زندگی استفاده کرده است، پیروی می‌کند. برای مثال مادر سارا در فهماندن عواطف مادرانه خود نسبت به فرزندان از همانندی احساسی که سارا به کوکو (پیانو) دارد، بهره می‌گیرد (همان). توضیح مفهوم یادشده به این شیوه، بی‌گمان زمینه را برای ورود به سطح دیگری از مفهوم احساسات، مانند بازتعریف دل‌بستگی میان سارا و یونس فراهم می‌آورد. مطرح کردن مراتبی و پلکانی مفاهیم پیچیده از دیگر امتیازات رمان *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی* است و انطباق شیوه آموزشی آن با رویکردهای علمی و نوین، همانند الگوهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر دلبستگی‌بندی و اکتشافی را نشان می‌دهد، که از رویکردهای اصلی و کارآمد در کلاس‌های فبک به‌شمار می‌آید.

مباحث کندوکاو‌انگیز و چالش‌ساز: یکی از استوانه‌های محتوای فکری و فلسفی در کلاس‌های فبک، خلق موقعیت‌های چالش‌برانگیز به منظور ایجاد پرسش در ذهن مخاطبان است. در داستان‌های خاص فبک این مهم اغلب از رهگذر گفت‌وگو و مباحثه میان شخصیت‌های داستان‌ها طرح می‌شود و گسترش می‌یابد. زیرا «یک داستان فلسفی باید دارای جنبه‌ها و پرسش‌های بسیاری باشد، نه این‌که تنها و مستقیم به کودکان درس اخلاق بدهد» (یوسفی، ۱۳۹۵). جمشید خانیان در رمان *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی* اساس اکثر دیالوگ‌ها را بر تقابل‌های دوگانه بنا می‌کند. دوگانه‌سازی‌های خانیان در گفت‌وگوها، ضمن تنوع و تعدد عنصر کشمکش، هر یک از پی‌رفت‌های روایت را به صورت اپیزودی مرکب از چالش‌های درونی و بیرونی درمی‌آورد. این شگرد موقعیت‌های چالشی درخور توجهی در سراسر روایت ایجاد می‌کند، که می‌تواند در کلاس فبک نیز منشاء گفت‌وگوهای بسیار و کندوکاوهای نتیجه‌بخش باشد.

کشمکش‌های روایت علی‌رغم تعدد و تنوعشان، تقریباً همگی معلول رخداد یگانه جنگ است. نخستین آن‌ها میان دو قطب پارادوکسیکال ماندن انتخابی در شهر مورد هجوم و خانه مألوف و رفتن اضطراری و ترک خانه با تمام امکانات و خاطرات تلخ و شیرین آن شکل می‌گیرد. آثار تصمیم‌گیری شخصیت‌ها در چنین شرایطی به صورت رگه‌هایی خزنده و پویا از کشمکش‌های عینی و ذهنی تا پایان روایت نمود و استمرار می‌یابد. درخشان‌ترین بخش چالشی رمان، به موضوع تصمیم‌گیری سارا درباره سرنوشت پیانوی او - که از فرط تعلق خاطر، نام «کوکو» بر آن نهاده است - مربوط می‌شود. او به هیچ وجه مایل نیست کوکو را در خانه‌ای که در معرض بمباران است تنها رها کند. سارا با همان منطقی که ماندن هیچ شهروندی در آن شرایط روا نمی‌داند، نماندن کوکو و بردن آن را از خرمشهر توجیه می‌کند (خانیان، ۱۳۹۸). در میانه راه به خاطر سوار کردن و نجات «بی‌بی و یونس» ناگزیر به تجدید نظر در مورد کوکو می‌شود. برون‌رفت از چنبره احساسات شدید و متناقض و فائق آمدن بر چنین چالش ذهنی بزرگ به‌آسانی امکان‌پذیر نیست: «گفتم: من عظم سرجاشه مامان. شما برید تا اهواز. اونا رو پیاده کنید، بعد برگردید دنبال من. من همین‌جام.

این عاقلانه‌ست مامان، مگه نه؟ ولی کوکو نه. گفت: تو می‌خوای من دخترمو این‌جا بذارم و برم؟ گفتم: این تنها کاریه که می‌شه کرد مامان. ولی کوکو نه...» (همان). اما در سایهٔ اثربخشی معجزه‌آسای گفت‌وگو، تعقل و تأمل، انعطاف‌ناپذیری برآمده از احساسات اولیه رفته‌رفته رنگ می‌بازد و به اصطلاح، بارسیدن سارا به فلسفه‌ورزانه^۱ نجات جان دو انسان را به بردن کوکوی مورد علاقهٔ خود ترجیح می‌دهد. این بخش از رمان پتانسیل بالایی برای به بحث گذاشتن در کلاس‌های فیک دارد. موضع‌گیری‌های مختلفی در خصوص این موقعیت شکل خواهد گرفت و مزایا و معایب هر تصمیم را می‌توان از زوایای مختلف ارزیابی نمود.

موضوع دیگری که می‌تواند محمل مناسبی برای رواج گفت‌وگو بین نوجوانان باشد: موضوع رفتن سارا به خارج از کشور برای ادامهٔ تحصیل در رشتهٔ موسیقی است. شرایط برای این سفر تحصیلی فراهم است، ولی سارا بر سر دوراهی مبنی بر رفتن برای ادامهٔ تحصیل یا ماندن در کنار عزیزانش قرار دارد (همان). این موضوع در نگاه نخست کشمکش درون‌فردی می‌نماید، که شخصیت داستان را در چالش میان عقل و عاطفه و به عبارتی تصمیم احساسی ماندن در جمع خانواده و عقلانیت رفتن آینده‌نگرانه معلق می‌سازد. اما طرح تأمل‌گرانهٔ چنین موضوعی در محافل آموزشی-فلسفی جنبه‌های برون‌فردی و اجتماعی آن را نمایان می‌کند. همچنین با توجه به تفاوت‌های فردی و جامعه‌شناختی فراگیران، ازجمله، نقش و مسئولیت‌های هر کدام در قبال خانواده و جامعه و احساسات و مواضعی که نسبت به جلای وطن و بازگشت و خدمت به میهن دارند، ابعاد کندوکاو خیز و چالش‌برانگیز فراوانی پیدا می‌کند.

از این رو و بنا به قراینی چون آمار مهاجرت‌ها و متداول شدن اصطلاح «فرار مغزها» این دوراهی‌ها علاوه بر تکنیک چالشی، به لحاظ موضوعی نیز از قابلیت بالایی برای به بحث گذاشته‌شدن در کلاس‌های فیک برخوردار است. به نظر می‌رسد، بسیاری از نوجوانان در حال حاضر به این موضوع فکر می‌کنند و قطعاً حرف‌های زیادی برای مطرح‌شدن، در ذهن دارند، که ضرورت طرح و شرح و آسیب‌شناسی این ذهنیات را مضاعف می‌سازد.

اشاره‌های الگوسازانه: یکی از دلایل به‌کارگیری داستان در برنامهٔ فیک ارائهٔ الگوی رفتاری به فراگیران در قالب شخصیت‌های داستان برای دستیابی به اهداف تعیین‌شده است. در داستان‌های خاص فیک همه یا برخی شخصیت‌ها با تردیدهای جدی مواجه می‌شوند و بر سر دو یا چند راه‌های سرنوشت‌ساز قرار می‌گیرند. از این رو، یکی از وجوه توصیفی شخصیت‌ها در چنین روایاتی، پرداختن آن‌ها به کندوکاو و کوشش برای اتخاذ تصمیم‌های درست در شرایطی دشوار است، که عنصر کشمکش نیز در آن بازنمایی می‌شود. این امر، الگویی از کندوکاو را به کودکان ارائه می‌دهد، که به باور منتقدان می‌تواند به خودساختگی و خوداصلاحی کودک و نوجوان فیک بینجامد (ناجی، ۱۳۹۵). بدیهی است، در این الگوسازی شخصیت‌ها باید واجد ویژگی‌هایی قابل فهم برای کودکان و نوجوانان باشند، به طوری که مخاطبان بتوانند با این شخصیت‌ها حس همذاتی و قرابت برقرار نمایند و برای هر یک از صفات آن‌ها (نقاط ضعف و قوت) مابه‌ازایی را در خودشان تصور کنند. شایستهٔ یادآوری است، شخصیت‌ها برای الگوسازی لزوماً کامل و بدون عیب و خطا نیستند. بلکه برعکس خطاپذیری، تجربه‌اندوژی و تصحیح اشتباهات یکی از متغیرهایی است، که شبیه‌سازی و الگوبرداری مخاطب از آن شخصیت‌ها و در نتیجه رشد هماهنگ ابعاد عاطفی و شناختی آنان را تسهیل می‌کند. «شخصیت‌های داستانی باید کودکانی با رشد متوازن در همهٔ ابعاد ادراکی، احساسی و شناختی باشند» (Kam, 2014). خلق شخصیت‌های داستانی با چنین دیدگاهی، داستان‌های خانیان را از نظر ظرفیت الگویی و خوانش در محافل کندوکاو پراهمیت نموده است. به‌ویژه سارا، شخصیت اصلی در داستان مورد مطالعه، به لحاظ سرمشق‌دهی و الگوسازی شایستهٔ نقد و تأمل است.

سارای نوجوان جهان زیسته‌اش را با جزئیات ذهنی و احساسی متعدد پیش دیدگان مخاطبان هم سن و سالش بازگشایی می‌کند. خلق و خو و تجارب سارا به جهان زیستهٔ نوجوانان شباهت‌های بسیاری دارد. این شباهت در پدید آمدن پلی از جنس همذات‌پنداری میان وقایع زندگی سارا در جهان روایت و رویدادهای زندگی مخاطبان در جهان

واقعی، نقش بسزایی ایفا می‌کند. او منشی صمیمی و رفتاری دوستانه و قابل درک دارد؛ نقاط قوت و ضعفش در نوسانات احساسی او بی‌پرده نمایان می‌گردد و در جریان اتفاقات به تدریج پخته‌تر و باتجربه‌تر می‌شود. این صفات مجموعاً زمینه‌الگوپردازی مناسبی را برای مخاطبان کمپ‌های فیک هنگام مطالعه رمان فراهم می‌آورد. برای مثال، در مواضع او نسبت کوکو (پیانو) هم وفاداری عاطفی متناسب با اقتضائات سنی‌اش لحاظ شده، هم رویکرد عقلانی گفت‌وگومحور لحاظ گردیده است. در همین زمینه هم واقعیت قبول مسئولیت و پرداخت شهادت‌مندانه هزینه در قبال تصمیمات سارا با سمبل روایی پیاده شدنش/از خودرو و/ایستادن کنار کوکو، در شب پربیم و خطر ميان راه به چشم می‌خورد، هم ژرف‌اندیشی در باب تحلیل هزینه-فایده چنین تصمیمی، که سرانجام انعطاف‌پذیری معقول و منطقی و رسیدن به تصمیمی درست و فرجامین در برنج‌ترن شرایط را به دنبال دارد.

باز بودن مستمر باب گفت‌وگو میان شخصیت‌ها، متداول بودن تعامل، تقابل، توافق، مخالفت، همدلی و... میان اعضای خانواده در زمینه‌ها و پیرفت‌های مختلف، همچنین روحیه شجاعت و ازخودگذشتگی یونس، روحیه‌دادن شخصیت‌ها به یکدیگر در شرایط دشوار و... از گزاره‌هایی هستند، که کارکرد الگودهی این رمان را برای فراگیران فیک افزایش می‌دهند.

فبک و سویه‌های روان‌شناختی رمان

تحلیل سویه‌های روان‌شناختی روایت در پیوند با فبک به دلیل به دلایل تمرکز بر روایات شخصیت‌ها و گفتار و کردار برآمده حالات روحی و شرایط روانی آنان همپیوندی و همپوشانی زیادی با مطالب دو بخش پیشین خواهد داشت. با در نظر داشت این نکته، کوشش می‌شود در این بخش، با تکیه بر درون‌مایه روایت و تناسب موضوعی پیرفت‌ها و همچنین تحلیل زمینه‌های روان‌شناختی و علل کنش‌گری معناسازانه و جهان‌شناسانه شخصیت‌ها، از تکرار غیر لازم مطالب جلوگیری گردد.

لیپمن درباره نحوه پیدایش و تکمیل این برنامه می‌گوید: «پیدایش فلسفه برای کودکان بدون خاستگاه و مقدمه نبوده است. این برنامه بر اساس رهنمودهای جان دیویی^۱ و مربی روسی ليو ويگوتسکی^۲ شکل گرفته است. که بر ضرورت تعلیم تفکر و تأمل و نفی آموزش صرف «حفظ کردن» تأکید می‌کردند. «برنامه فبک بر اساس ساخت‌گرایی^۳ است و هدفش این است که کودکان معرفت و ارزش‌های اخلاقی خود را خودشان بسازند، نه این‌که به آن‌ها تلقین یا القا شود تا با گذر زمان فراموش شود یا تغییر کند. به عبارت دیگر تربیت جنبه عقلانی دارد و نه تلقینی و احساسی» (ناجی، ۱۳۹۵). بنابراین نخستین نکته قابل اشاره، در این بخش از مطالعه روایت، همان بنیان‌های روان‌شناختی است، که در یادگیری ساختن‌گرایی و دیدگاه نظریه‌پردازان این رویکرد اهمیت اساسی دارند.

مرکز ثقل این نوع یادگیری را اعتبار ذهن فراگیر و نقش محوری آن در فرآیند یادگیری تشکیل می‌دهد. پیش‌درآمد همه مراحل یادگیری و ساخت دانش، خودآگاهی و خودباوری یادگیرنده است، که سبب می‌شود، به جای دنباله‌روی از مکتب‌دار و انتظار منفعلانه برای دیکته شدن و القای اندیشیده‌ها از سوی معلم سنتی، فعالانه و با اعتماد به نفس کامل، به تفکر، جست‌وجو، ارزیابی، استدلال و... روی آورد و سرانجام، مفهوم‌سازی جهان‌شناختی و معناآفرینی فلسفی برآمده از ذهنیت مستقل خود اقدام کند.

تأمل در جنبه‌های آموزشی داستان «عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی» نکات جالب توجه‌ای را در همسویی این بعد از روایت با بنیان‌های روان‌شناسانه سازنده‌گرایی نشان می‌دهد. برای نمونه، والدین سارا در تصمیم‌گیری برای آینده فرزندان، (بدون کوچکترین تردید در نیت خیرخواهانه آن‌ها) بیش از هر چیز نظر خود او را جویا می‌شوند، و مانند خانواده‌های سنتی صرفاً با توجیه خیرخواهی و مجرب بودن بزرگترها، تصمیمات لازم‌الاجرا برای فرزندان نمی‌گیرند. چنین خانواده‌ای نماد کلاس و فضاهای آموزشی نوین مانند محفل کندوکاو است، که با ایجاد فرصت مشارکت برای

1. John Dewey
2. Lev Vigotsky
3. Constructivism

فراگیران، زیربنایی‌ترین توان روانی و شخصیتی یعنی قوه اعتماد به نفس را در او بارور و مستحکم می‌کند. بر پایه همین ویژگی بنیادین، دیگر ابعاد شخصیتی فراگیر برای پیمودن مراحل مختلف یادگیری تا رسیدن به دانش‌سازی و جهان‌بینی مستقل به طور تدریجی و اصولی شکل می‌گیرد. نشانه‌ها و مصادیق این مهم، در سایر دیالوگ‌ها و پی‌رفت‌ها، از جمله در اصرار سارا به بردن پیانو، اگرچه با تکرار کودکانه «کوکو نه» در سخنان او آغاز می‌شود، در نهایت با سخنان مستدل سارا مورد توافق مادر قرار می‌گیرد. نقش موضع‌گیری مادر در برابر این استدلال - که صرفاً از نگاه همسالان سارا منطقی تلقی می‌شود - نیز در پرورش گام‌به‌گام شخصیت و تکامل ابعاد روانی سارا به نوبه خود قابل توجه است. همچنان که به همراه بردن پیانو با ابزار گفت‌وگو و استدلال پذیرفته می‌شود، رها کردن آن در میانه راه - علی‌رغم دلبستگی شدید سارا به آن - نیز با استدلال و منطق نوع‌دوستانه انجام می‌شود، که خود نمادی از سیر رشد و تکامل شخصیت فراگیران در بسترهای آموزشی شبیه به فبک و از نکات شایسته در روان‌شناسی رشد و شخصیت کودکان و نوجوانان به‌شمار می‌آید. پویایی شخصیت‌های اصلی داستان (از نظر فن داستان‌نویسی) قابل قبول بودن جنبه‌های هنری رمان و کارایی تکنیک روایی آن را در کلاس‌های فبک تأیید و تقویت می‌کند.

از دیگر نکات مهم و مورد تأکید بنیان‌گذاران فبک رعایت تناسب مباحث و مضامین داستان‌ها با مختصات روانی یادگیرندگان است. لیپمن تلاش می‌کند، برنامه‌اش را متناسب با ساختار شناختی کودکان و نوجوانان و با تکیه بر توانایی‌های فکری بالقوه آنان ارائه دهد. از این رو، بر تناسب مفاهیم داستان‌های فلسفی با رشد فکری مخاطبان تأکید می‌کند. ویگوتسکی عقیده دارد که نظام آموزشی باید کودکان را در محیطی قرار دهد که ارائه‌دهنده موضوعات و تجربی باشد، نه آن‌چنان دشوار که حتی با هم‌یاری افراد باتجربه قابل‌درک نباشد و نه آن‌قدر ساده و آسان که کاملاً در سطح رشد فعلی کودک باشد، چنان‌که او بی‌هیچ تلاشی بر پاسخ مسلط باشد (هدایتی، ۱۳۹۴).

موضوعاتی مانند تعلق خاطر شخصیت‌ها به اسباب و اثاثیه‌های شخصی، ادامه تحصیل در داخل یا خارج کشور، وابستگی‌های شدید عاطفی به خانواده، دلبستگی به خانه، شهر و میهن، دلخوری‌ها و دوستی‌های زودگذر و... در رمان مورد نقد، همگی از مباحث و رویدادهایی است، که در دنیای کودکان و نوجوانان جریان و اهمیتی ویژه دارد. افزون بر ارزش محتوایی این مباحث و به‌اصطلاح «چه گفتن» برای کودکان و نوجوانان، هنر «چگونه گفتن» آن‌ها در این روایت نیز اهمیت دوچندانی به آن بخشیده است. مثلاً، احساسات میان سارا و یونس نوجوان به گونه‌ای خاص و متشکل از عنصر عاملیت عادت و حضور (به عنوان مبنای عواطف کودکانه) و سایه‌روشنی از عشقی خوشایند و ناشناخته طرح و وصف می‌شود، که در حدواسط عواطف کودکانه و دلدادگی پررمز و راز بالغانه جای گیرد و عوالم احساسی نوجوانی را معرفی نماید. چنین تحریری از احساسات پیچیده نوجوانی نسبت به جنس مخالف، با ضرورت طرح و رعایت ملاحظات مربوط به آن در کلاس‌های فبک همخوانی نزدیک دارد: «و گالن نیمه‌خالی نفت را برداشتم و دوتایی توی کوچه به‌راه افتادیم. حس غریب خوشایندی داشتم. راستش دلم می‌خواست کوچه کش می‌آمد و ما حالا حالاها به آشیانه نمی‌رسیدیم...» (خانیا، ۱۳۹۸).

این رفتار متعادل، غلبه میانه‌روی «من» بر ابعاد نامتعادل شخصیت و جنبه‌های افراطی «نهاد» و «فرامن» را در تعبیر روان‌شناسانه نمایندگی می‌کند، که مهمترین ویژگی روان‌شناختی این رمان و وجه غالب معنایی آن است و - همچنان که در بخش‌های پیشین شرح آن گذشت در اغلب پی‌رفت‌ها، با کنترل احساسات ناروا و پرهیز از افراط و تفریط‌های نابجا هنگام تصمیم‌گیری شخصیت‌ها در مواضع پرچالش نمودی گسترده دارد.

واژه‌سازی و عبارت‌پردازی‌های «زبان وارونگی» که با روحیه بازی‌طلبی کودکان و نوجوانان و مقتضیات سنی آنان، به‌ویژه در حین یادگیری و آموزش، همخوانی دارد و متداول نبودن «فرافکنی» در دیالوگ‌ها و تعاملات شخصیت‌ها، که مسئولیت‌پذیری را در فراگیران تقویت می‌کند و الزام آنان به پاسخگویی در برابر گفتار، رفتار و تصمیمات‌شان را یادآور می‌شود، از دیگر ارزش‌های روان‌شناختی این روایت است.

لیپمن تفکر، تعقل و خلاقیت را عناصر کلیدی برای رشد فلسفی فراگیران می‌داند و متون مناسب برای فبک را

آن‌هایی می‌داند، که ترکیب مناسبی از عقلانیت و خلاقیت را در خود ای داده‌اند (De.marzio, 2011). براساس این، می‌توان یادگیری در فبک را فرایندی متشکل از دو مرحله فشرده تعقل و خلاقیت قلمداد کرد، که هر کدام به شیوه‌ها و در اشکال پدیداری گونه‌گونی محقق و متبلور می‌شوند. در شواهد مربوط به پیانو و ادامه تحصیل سارا، به ترتیب مشاوره و مجادله مرحله تعقل را نمایندگی می‌کند، که هر کدام شخصیت داستانی (فراگیر) را به نتایجی نو و تصمیمی متفاوت با موقعیت‌های پیش از مشورت و مباحثه (خلاقیت) رهنمون می‌شود. در جایی دیگر، سام از لرزش شانه‌های مادر به گریه کردن او پی‌می‌برد (خانیان، ۱۳۹۸) و یونس از دانسته‌های پیشین خود، مبنی بر تفاضل سرعت گلوله با صوت، منتفی شدن خطر (اصابت گلوله) را استنتاج می‌کند (همان). در این دو شاهد، مرحله تفکر و تعقل با روش قیاس و استقرا نمودار شده‌است، که هر کدام به دانشی برساخته و مختص سام و یونس، متناسب با مقتضیات تجربی و ذهنی آن‌ها می‌انجامد.

منتقدان حوزه تعلیم و تربیت حسب دیدگاه صاحب‌نظرانی چون پیاز و دیویی، متفاوت و مختص بودن دانش‌های ذهن‌ساخته هر یک از فراگیران را منبعث از تفاوت‌های قهری موجود در ساختار عصبی-زیستی و مختصات ذهنی-روانی فرد فرد فراگیران می‌دانند (رشت‌چی، ۱۳۸۹). بنابراین، علاوه بر انطباق فرآیند دانش‌سازی با روند و اهداف فبک، توجه نویسنده به تفاوت‌های فردی هر یک از شخصیت‌ها در این زمینه و در نظر گرفتن تناسب نتایج و دانش‌های برساخته با اقتضائات روانی-ذهنی سازنده دانش‌ها (یادگیرنده‌ها) ارزش و اعتبار خاصی به این روایت از نظر فلسفی-روان‌شناختی بخشیده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری

عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی، رمانی است با قدرت تصویرگری بالا که تناقض‌های زندگی را در نماد ترکیب دیالکتیکال عشق و امید نوجوانی با نیستی و نومیدی برآمده از جنگ، به‌روشنی ارائه می‌دهد. این روایت همان‌گونه که از عنوانش برمی‌آید، داستانی امروزی آمیخته به تمثیل و اشارت‌های اسطوره‌ای است. در بعد ادبی و هنری، زبان و لحنی ساده و هماهنگ با درک و دریافت نوجوانان دارد. کاربرد عبارت‌ها و اصطلاحات محاوره‌ای در این رمان، برای برانگیختن حس همراهی و احساس همذات‌گرایانه مخاطبان نوجوان با شخصیت‌های داستان، نقش مؤثری می‌تواند داشته‌باشد. وجود لغات و اصطلاحات جدید درباره موسیقی و جغرافیای خاص منطقه‌ای، در کنار توضیحات انتهایی کتاب، زمینه خوبی برای افزایش اطلاعات و گسترش ذخایر واژگانی مخاطبان فراهم می‌آورد. از نظر شخصیت و شخصیت‌پردازی به جز در مواردی محدود، شخصیت‌های رمان با زبانی ساده و روان معرفی می‌شوند و احساسات و افکار آن‌ها بدون ابهام و پیچیدگی در جریان وقایع داستان و دیالوگ‌های میان آنان، تبیین می‌گردد. این موضوع به ایجاد پیرنگ قوی و استحکام روابط علی-معلولی رخدادها نیز کمک می‌کند. توالی غیر خطی رویدادها با چاشنی زمان‌پریشی محدود در آن، ضمن این که کل روایت را از ابتدال ساده‌نویسی بیش از حد باز می‌دارد، به گونه‌ای هم نیست، که آسیبی به باورپذیری و حقیقت‌مانندی آن وارد سازد.

هماهنگی میان شگرد و معنا که از امتیازات ادبی این رمان است، در بعد فلسفی آن، به صورت غلبه رنگ پوزیویستی و عینیت‌گرایی علمی رخ می‌نماید، که خود برآیندی از انسجام اصول رمان‌نویسی رئالیستی با محتوای استدلالی و غیر تلقینی روایت است. از نظر درون‌مایه فلسفی و عدم تلقین، این رمان حاوی بن‌مایه‌های فکری و فلسفی قابل تأملی، شامل فداکاری، مشورت، رفتارهای مبتنی بر عقلانیت و بلوغ اندیشه، کنترل احساسات، تصمیم‌گیری واقع‌بینانه بر بنیاد گفت‌وگو و مشورت است، که اهمیت آموزش غیر هیجانی این رمان را برای فراگیران فبک افزایش می‌دهد. در گفت‌وگوهای بین سارا و یونس دوره‌های احساسی-اخلاقی تأمل‌برانگیزی ایجاد می‌شود، که بر جنبه چالشی و کندوکاوپذیری روایت می‌افزاید. شخصیت‌های اصلی و اثرگذار داستان به دلیل اینکه نوجوان هستند و تجارب زیسته‌شان شباهت زیادی به دنیای واقعی نوجوانان دارد، می‌توانند مخاطبان را با خود همراه کرده و الگویی رفتاری

مناسبتی به آنان ارائه نمایند. این امر به لحاظ سرمشق‌دهی واقع‌نگرانه می‌تواند روایت مورد نظر را در ردیف آثار موفق فبک قرار دهد. طرح موضوعات جنگ و تبعات آن، از جمله مرگ یونس، از آنجا که موجب فشار روانی و عاطفی بر مخاطبان می‌شود، از منظر روان‌شناختی مناسبت چندانی با موضوعات مورد استقبال فراگیران در کلاس‌های فبک ندارد. در عین حال، غالب پیرفت‌های روایت از محتواهایی مبنی بر ترویج تعامل «من‌محورانه» و پرهیز از افراط‌های «فرامن‌گونه» حکایت دارد، که به طور غیر مستقیم و باظرافت و لطافت ادیبانه، مخاطبان را به مسئولیت‌پذیری و دوری جستن از فرافکنی‌های غیرمسئولانه فرامی‌خواند.

در مجموع، امتیازات فلسفی و شایستگی‌های این رمان برای به‌کارگیری در محافل فبک به اندازه‌ای است، که صرف اجرای نمایشی روایت در این محافل، به‌تنهایی می‌تواند، فرایند کاملی از برنامه کلاسی فبک را بازتاب دهد: وقوع جنگ شخصیت‌ها را از آرامش و ایستایی غافل‌کننده به فضایی ملتهب وارد می‌کند (حیرت)؛ اضطراب این فضای پرتهدید پرده‌های بی‌تفاوتی برآمده از عادت‌ها و انجماد ممتد اندیشه را کنار می‌زند (عادت‌زدایی) و مخاطب را به پرسشگری فکورانه جهت برون‌رفت از بحران (حل مسأله) وامی‌دارد؛ این پویایی جسورانه ذهن و اندیشه، سرانجام شخصیت‌ها (یادگیرندگان) را به پاسخ‌ها خودیافته و جهان‌بینی تازه می‌رساند، که خود، به تکوین سازواری فلسفی یادگیرندگان در موقعیت جدید می‌انجامد.

مشارکت نویسندگان

نویسنده به تنهایی نسبت به نگارش مقاله اقدام نموده است.

تشکر و قدردانی

از داوران گرامی به سبب ارائه نظرات ارزشمند بسیار سپاسگزاریم.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

منابع

- خانیا، جمشید (۱۳۹۸). *عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان
- رشت‌چی، مژگان (۱۳۸۹). بررسی نظریه ویگوتسکی از دیدگاه روان‌شناسی و ارتباط آن با مبانی نظری آموزش فلسفه به کودکان، *تفکر و کودک*، ۱۱(۱)، ۳-۲۰
- فیشر، رابرت. (۱۳۸۸). *آموزش و تفکر*. ترجمه فروغ کیان‌زاده. چاپ ۲. اهواز: ریش
- کم، فیلیپ (۱۴۰۳). *با هم فکر کردن*، ترجمه مژگان رشت‌چی و فرزانه شهرتاش. تهران: شهرتاش
- لیپمن، متیو و آن مارگارت شارپ. (۱۳۹۴). *غایب بزرگ مدرسه*. ترجمه روح‌الله کریمی. جلد ۱. چاپ ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- مجیدحبیبی عراقی، لیلا. (۱۳۹۴). *داستانی برای کندکاو*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ناجی، سعید. (۱۳۹۵). *معیار فبک برای داستان: نقد و بررسی داستان‌های مورد استفاده برای آموزش تفکر در ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ناجی، سعید. (۱۳۹۳). *کندکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان: گفت‌وگو با پیشگامان انقلابی نو در تعلیم و تربیت*. جلد ۱. چاپ ۳. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

References

- De Marzio, Darryl Mathew. 2011. (What happens in philosophical texts: Mathew) Lipman's theory and practice/of the philosophical texts as a model. *Childhood and philosophy*, Rio de

- janiro, out 2011, pp37_65
- Fisher, R. (2009). *Education and thinking*. Translated by Forough Kianzadeh. 2nd edition. Ahvaz: Rasesh [In Persian]
- Kam, P. (2024). *Thinking Together*, translated by Mozghan Rashtchi and Farzaneh Shahrtash. Tehran: Shahrtash [In Persian]
- Cam, P. (2014). *Philosophy for Children, Values Education and the Inquiring Society. Educational Philosophy and Theory: Incorporating ACCESS*, 46 (11), 1203-1211.
- Khanian, J. (2019). *The Romance of Yunes in the Belly of the Fish*. Tehran: Center for Intellectual Development of Children and Adolescents [In Persian]
- Lipman, M. & Anne M. S. (2015). *The Great Absent One of the School*. Translated by Ruhollah Karimi. Vol. 1. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Lipman, M. (2003). *Thinking in Education, Cambridge*. Cambridge University Press
- Lipman, M. (1992). *Studies in Philosophy for Children, Harry Stottlemeier's Discovery*, edited by Ann Margaret Sharp and Ronald F. Reed, Temple University Press, Philadelphia, 19122
- Majid Habibi-Iraqi, L. (2015). *A Story for Exploration*. 1st Edition. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Matthews, G. (1994). *The Philosophy of Childhood*. Cambridge. Harvard University Press.
- Naji, S. (2016). *The P4C criterion for stories: A review and examination of stories used to teach thinking in Iran*. 1st edition. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Naji, S. (2014). *Philosophical exploration for children and adolescents: A conversation with the pioneers of the new revolution in education*. Volume 1. 3rd edition. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies [In Persian]
- Rashtchi, M. (2010). A study of Vygotsky's theory from a psychological perspective and its relationship with the theoretical foundations of teaching philosophy to children, *Thought and Child*, 1(1), 3-20 [In Persian]